

ANICENIA.

طرح درس راهنماشناسی

نویسنده: محمدرضا صفی خانی

مربی هنگام ورود به کلاس، این برنامه کوهنوردی یک‌روزه را روی تخته بنویسد؛ (مثلاً: حرکت؛ جمعه ساعت ۶ صبح، تغذیه؛ غذای کنسروی و میوه. نکات: از امروز تا روز حرکت، روزی ۲۰ دقیقه دو و ۱۰۰ تا طناب زدن، اجباری است. وسایل مورد نیاز کوهنوردی؛ کفش، لباس، کوله، بطری آب و... برگشت؛ ساعت ۸ شب).

بچه‌ها! دلیل رفتن به کوه، تفریح و ارزیابی توان شما برای کار تیمی است. به نظر شما به‌تنهایی می‌توانیم قله‌ای را فتح کنیم؟ یا نیاز به شخصی داریم که راه‌بلد است؟ بعد از این پرسش‌ها، مربی زمانی را مشخص می‌کند و از مربیان می‌خواهد که دو نفر را به عنوان سرگروه (راهنما) انتخاب نمایند. بعد از انتخاب آن دو نفر، مربی از مربیان سؤال‌هایی می‌پرسد:

۱. چرا باید راهنما داشته باشیم؟

۲. راهنمای کوهنوردی چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟

۳. راهنمای مورد نیاز را چگونه باید انتخاب کنیم؟

۴. آیا افراد منتخب این ویژگی‌ها را دارند؟^۲

در ادامه، مربی برای ورود به بحث به مربیان می‌گوید: برای یک روز کوهنوردی به یک برنامه و راهنما نیاز داریم. در طول زندگی، حادثه‌هایی برای ما اتفاق می‌افتد که به مراتب مهم‌تر از کوهنوردی است. به نظر شما، کدامیک را می‌توان بدون راهنما پشت سر گذاشت؟ آیا اساساً می‌توان مسیر پرفراز و نشیب زندگی را بدون راهنما طی کرد؟ مثلاً وقتی با دوستانمون اختلاف پیدا می‌کنیم و نمی‌دونیم چطور درستش کنیم.

موضوع طرح درس

راهنما را در مکتب اسلام می‌توان با عناوینی مانند نبی، رسول، ولی و امام جست‌وجو نمود. می‌دانیم که در میان ما شیعیان، مسئله امامت اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد؛ در میان

۱. علت اینکه در برنامه کوهنوردی از راهنما استفاده می‌کنیم، این است که در کوهنوردی مشکلات و سختی‌های زیادی وجود دارد و با وجود راهنما، آن سختی‌ها آسان‌تر خواهد شد.

۲. گفتن این سؤالات فقط به خاطر این است که ذهن مخاطب را درگیر نماییم که قبل از انتخاب‌هایش (به‌ویژه انتخاب راهنما)، چه سؤال‌هایی را باید برای خودش مطرح نماید و به این سؤال‌ها چه پاسخ‌هایی می‌دهد.

سایر فرقه‌های اسلامی برای این مسئله، اهمیت زیادی قائل نیستند. سرّ مطلب این است که مفهوم امامت در نزد شیعه، جزو اصول دین به شمار می‌رود. به این معنا که بحث امامت مانند: توحید، نبوت، معاد و عدل، جزو مباحث اصلی و اساسی مکتب اسلام است. ولی در سایر فرق این گونه نیست. به همین خاطر باید معنا و مصداق راهنما را درست بشناسیم و درک نماییم.

معنای راهنما

امام در تعریف عام، به انسان دارای رهبری عمومی گفته می‌شود که شامل نبی و رسول هم می‌گردد. اما امام در تعریف خاص، به کسی اطلاق می‌شود که دارای رهبری عمومی در دین و دنیا، به صورت نیابت از نبی است.

مصادیق راهنما در قرآن: امام حق و باطل

خداوند برای هدایت بشر راهنماهایی را قرار داده است.^۳ راهنمایانی هستند که انسان‌ها را به سمت دوزخ و آتش می‌برند.^۴

به واسطه این دو آیه، به این مفهوم خواهیم رسید که در دنیا دو پیشوا وجود دارد؛ یکی راهنمای به سوی هدایت، که برای رسیدن به سعادت نیازمند اطاعت از او هستیم و دیگری پیشوایی که انسان را به سمت بدی‌ها و شقاوت دعوت می‌نماید.

جایگاه و ارزش راهنما در (قرآن)

تصور کنید یک روز آب قطع شده، چه وضعیتی پیدا می‌کنید؟ اگر این وضعیت برای چند روز ادامه پیدا کند، با چه مشکلاتی روبه‌رو می‌شوید؟ یقیناً تمامی فعالیت‌های روزانه خود را تعطیل کرده به جست‌وجوی آب می‌روید؛ زیرا با نبود هر چیز دیگری مانند برق، گاز و...، می‌توان زندگی کرد، اما ادامه حیات بدون آب برای هیچ‌کس مقدور نیست. زندگی بدون آب محال است. در قرآن کریم نیز آب مظهر حیات معرفی شده است و منشأ حیات هر جنبه‌ای.^۵ با نگاهی به روایاتی که به تفسیر این آیات پرداخته‌اند، پرده از معانی عمیق‌تر آن برداشته می‌شود و می‌فهمیم که آب حیات برای انسان، راهنمایان الهی هستند.^۶

۳. وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا؛ سجده، ۲۴.

۴. وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ؛ قصص، ۴۱.

۵. وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَّاءٍ؛ نور، ۴۵.

۶. کمال‌الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۰.

چرا راهنما

ادله قرآنی

زمانی که به آیات قرآن نگاه می‌کنیم، به نکاتی درباره راهنما خواهیم رسید که ذکر آن‌ها سبب و چرایی وجود راهنما را مشخص می‌کند. در قیامت هر امتی با امام و راهنمایی که داشته است صدا زده می‌شود.^۷ خوب است که کمی بیاندیشیم که ما را چگونه صدا می‌زنند؟ در دنیا دنبال چه کسی بودیم؟ برای رفع مشکلات از چه راهنمایی کمک می‌گرفتیم؟

ادله روایی

امام صادق علیه السلام فرمود: «لَوْ بَقِيَتْ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ لَسَاخَتْ؛ اگر زمین بدون امام بماند، فرو خواهد رفت».

اگر مردم زمین تنها دو نفر باشند، یکی از آن دو، امام است و فرمود: آخرین کسی که بمیرد، امام است تا کسی بر خدای عزوجل احتجاج نکند که خداوند او را بدون حجت واگذاشته است.^۸

قال رسول الله ﷺ: کسی که بمیرد و امام زمانش را نشناخته باشد، مانند انسان جاهلی مرده است.^۹

قال الله تعالی: من برای هر قومی راهنمایی قرار دادم، که خوشبختان را به وسیله آن هدایت می‌کنم و حجتی برای بدبختان است.^{۱۰}

از مجموع این ادله، روشن می‌شود که زندگی انسان‌ها در این دنیا و در آخرت، با امام و پیشوا و راهنمایان گره خورده است. و نیاز است که هر انسانی با تفکر و تعقل، راهنما و امام خود را بیابد و از او پیروی نماید.

ویژگی‌های راهنما

بعد از مشخص شدن معنا، چرایی، ضرورت و جایگاه امام در مکتب اسلام، می‌خواهیم بدانیم این تعریف شامل چه کسانی است. باید بدانیم که؛ اولاً در هر زمان، راهنما یکی بیشتر نیست. ثانیاً راهنما همیشه از جانب خدا و رسول خدا ﷺ انتخاب می‌شود. ثالثاً کسی که راهنمایی انسان‌ها را بر عهده می‌گیرد، باید بر تمام علوم (به اذن الهی) مسلط باشد. اگر راهنما بر تمام علوم احاطه نداشته باشد، نمی‌تواند این انسان پیچیده را راهبری

۷. يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ؛ اسرا، ۷۱.

۸. لَوْ كَانَ النَّاسُ رَجُلَيْنِ لُكَانَ أَحَدُهُمَا الْإِمَامُ. وَقَالَ: إِنَّ آخِرَ مَنْ يَمُوتُ الْإِمَامُ، لِئَلَّا يَحْتَاجَ أَحَدٌ عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَنَّهُ تَرَكَهُ بَعِيرٌ حُجَّةَ اللَّهِ عَلَيْهِ؛ کافی، ج ۱، ص ۱۸۰.

۹. مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ، مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً؛ وسائل الشیعه ج ۱۶، ص ۲۴۶.

۱۰. إِنِّي قَدْ قَضَيْتُ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادِيًا أَهْدِي بِهِ السُّعْدَاءَ وَ يَكُونُ حُجَّةً عَلَى الْأَشْقِيَاءِ؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۹۶.

کند. از همه مهم‌تر، فردی که پیشوای انسان‌ها است، نباید آلوده به گناه و اشتباه باشد؛ زیرا قرار است مردم را از همین آلودگی‌ها نجات دهد و به کمال برساند. پس شرط اصلی نجات دادن این است که ناجی خودش گرفتار آلودگی‌ها نباشد.^{۱۱} کسی که یک شرط از این شروط را نداشته باشد، صلاحیت راهنمایی را ندارد.

نتیجه وجود راهنما

از مهم‌ترین نتایج وجود راهنمایان الهی، حفظ نظام اجتماعی، برقراری عدالت اجتماعی، اجرای حدود الهی، به کمال رساندن انسان و تبدیل حیات حیوانی به حیات انسانی است؛ زیرا انسان به واسطه راهنما، مشکلات و اتفاقات را به سلامت پشت سر می‌گذارد و به‌سوی سعادت اخروی رهنمون می‌گردد.

سؤالات طرح درس

چرا در زندگی من مسئله‌ای به عنوان امام و رهبر مطرح نیست؟

آیا تاکنون دردی به نام دوری از امام را احساس کرده‌ام؟ یا فقط درس خواندن و بودن با دوستان دغدغه من است؟

(لازم به ذکر است که مربی به تناسب حال مخاطب سؤالات را مطرح نماید).

خیلی وقت‌ها ما در زندگی حواسمان به چیزهایی که نیاز داریم نیست و وقتی به آن نیاز پیدا می‌کنیم، توجه‌مان به آن جلب می‌شود؛ مثلاً نیاز به آب در موقع تشنگی یا غذا در موقع گرسنگی؛ این‌ها نیاز موقت‌اند. ما تازمانی که گرسنه یا تشنه نشویم سمت هیچ کدام نمی‌رویم.

اما بعضی نیازهای ما دایمی‌اند، مانند رشد و حرکت به سمت موفقیت‌ها؛ برای رفع این نیازها هم همیشه تلاش می‌کنیم و حواسمان به آن‌ها هست. ولی برخی از نیازهای دایمی هستند که از آن‌ها غافلیم؛ مانند نیاز به امام (که با تمرین و ممارست، متوجه آن‌ها خواهیم شد).

انسان‌ها با توجه به تعریفی که از خود دارند، حرکت می‌کنند؛ یعنی اگر تعریف انسان از خود، همین موجود زمینی است - با این قد و قامت خاص و... - تمامی امکانات خود را صرف تغذیه و بزرگ شدن او می‌نماید. چون تصور می‌کند که انسان همین بدن مادی و چشم و گوش و... است. چنین انسانی هر صبح که از خواب برمی‌خیزد به دنبال تغذیه، زیبایی، لذت و آسایش مادی و جسمی خود است؛ بهتر بپوشد، بهتر بخورد، در مکان بزرگ‌تری زندگی کند و... اما اگر انسان زاویه دیدش را تغییر دهد و به این نکته برسد

که انسان بیشتر از دهان (جسم) است. یعنی غیر از جسم، جان و روحی دارد که باید آن را هم تغذیه نماید، دغدغه‌هایش متفاوت می‌شود. به قول شهید بزرگوار مطهری: کسی که واقعیت خود را همین تن می‌پندارد و هر چه که می‌کند، برای تن و بدن می‌کند، خود را گم کرده و فراموش نموده و ناخود را خود^{۱۲} پنداشته است. در نتیجه، انسانی که خود را کوتاه و ناقص تعریف کرد، دیگر نبود امام، ضرورت راهنما و فایده راهنما و رهبر برایش پوچ و بی‌معنا خواهد شد. به قول مولوی:

در زمین دیگران خانه مکن	کار خود کن کار بیگانه مکن
کیست بیگانه؟ تن خاکی تو	کز برای اوست غمناکی تو
تا تو تن را چرب و شیرین می‌دهی	گوهر جان را نیابی فربهی

ارائه تمرین برای طرح درس

مربی از متربیان خود می‌خواهد هر شب با امام زمان (عج) صحبت و گفت‌وگو نموده و داخل دفترچه‌ای (فقط تعداد دفعات و دقایق) را منعکس نمایند و در جلسه آینده ارائه دهند. این کار سبب می‌شود تا متربیان نسبت به امام حاضر و ناظر خود، نیاز بیشتری را احساس نمایند.

منابع

۱. ربانی، علی، امامت در بینش اسلامی.
۲. مطهری، مرتضی، امامت و رهبری.
۳. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن ج ۶، ۷، ۸، ۹.

۱۲. یعنی جسم برایش ارزش بیشتری دارد تا روح.